

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۹  
۲۵ آگوست ۱۴۴۰  
شماره ۱۹  
ZENDERO@QUIDSONLINE.IR

### روزمره نگاری

**زنی با گوشواره مروارید**  
رقیه توسلی: زوم می‌کنم... بیشتر و باز هم بیشتر. امروز کلاً روز زوم است. روی غذایی که برایش بار گذاشته‌ام، روی تلویزیون تماشا کردن و نماز خواندنش. زوم می‌کنم روی خمیازه کشیدنش، حرف زدنش، روی گوشواره مرواریدش. روی دستهایی که توی هم قلاب کرده روی دامنش. «عزیز» را تماشا می‌کنم. پوشه ۳، عکس‌های اوست. همه جور تصویری از او اینجا پیدا می‌شود. سسر اجاق، لب دریا، توی بازار، روی ایوان، وسط فرودگاه، زیر سرم، نوه به بغل، زیر برف، پشت چرخ خیاطی، چفت خاله جان، پای دیگ نذری، توی عروسی. چه خوب است که آدم از مادرش، فراوان عکس بگیرد. حسن سلیقه به‌خرج رفته در این کار را دوست دارم و بیشتر از آن، زنی که توی تمام قاب‌ها لیخند به صورت است. به غذا سسر می‌زنم. با جزئیاتی که دوست دارد، دارم برایش فسجنان آماده می‌کنم. هنوز یک ساعتی اما جا دارد. برمی‌گردم دوباره تا در دریای ۴ هزار و خورده‌های عکس شنا کنم. از زیرورو کردن عکس‌هایی که او توی کادر دوربین است، کیف می‌کنم اما از اینکه دستتای را باید جدا کنم برای یادآوری، نه... از اینکه بخوام در نقش دکتر، پازل خاطرات قشنگمان را بگذارم وسط و او دستش نرود و یسارند نیاید کدام تکه را کجا بچیند، نه... شرمندگی و بهت «عزیز» مرا می‌کشد. با عشق و آکراه عکس‌های تیک زده را منتقل می‌کنم به تابلت. آن‌ها که خاطرات پشتشان غلیظ تر است و خود تصویر با کیفیت‌تر. دکتر گفته باید با هم گذشته‌گردی کنیم تا الزایمر بدقلق را ممت و مال بدهیم. زوم می‌کنم... بیشتر و باز هم بیشتر... روی روش‌های تازه‌ای که جواب بدهد روی «عزیز».

متخصصی گفته برنامه گربه سخنگو را دانلود کن. همان که صحبت‌های کاربرش را تکرار می‌کند. گفته بانوی همسن و سالی از آشنایان اگر مبتلا به این عارضه است را دعوت کن به هم صحبتی با مادرت. شاید ثمر بدهد. زوم می‌کنم... بیشتر و باز هم بیشتر... فکر می‌کنم گره کار اینجاست که دل نذارم مادر مادرم باشم. مادر زنی که کتاب دوستم کرد. یادم داد چه کنم مریضا نینفند به کپک. از قصه‌ها هر شب چند قاشقی ریخت توی سرم. جاده فیلمیاز شدن را باز کرد توی سلول‌های خاکستری‌ام. گفت چه جور آسه بروم آسه بیام که گریه شاخ‌خ نزنم. مادر زنی که شب‌ها به پایش روغن میخک زد تا نگوید یادردهایش همه از فداکاری زیاد است. بیشتر زوم می‌کنم... تابلت پر از قطرات اشک من است... به‌گمانم مادر مادر شدن، مادر او که مرجم همه تلخ و شیرین عالم است، اشکبار است.

### چه خبر؟

**نه بتر سید، نه خوددرومانی کنید**  
خواهی اول اینکه میادا بعد از خواندن چند سطر اول این مطلب هرنوع خارش سر، بادگلو و... و چیزهای طبیعی دیگر را با بگذارید به حساب کرونا و خودتان را به بیمارستان برسانید. خواهش دوم هم اینکه میادا این قدر بی خیال شوید که بگذارید برخی علائم کرونا شما را از پا انداخته بعد به فکر مراجعه به مراکز پزشکی بیفتید. یک عضو ستاد مقابله با کرونا ای تهران گفته است: «علائم گوارشی مانند اسهال، سسکسه، علائم نورولوژیک مثل سسکته‌های مغزی، عفونت نخاعی و خستگی و بدن درد بسیار شدید برخی از علائم ناشیاب کروناست که اخیراً بیشتر در بین مبتلایان مشاهده می‌شود... کووید ۱۹ یک بیماری ویروسی است که علائم آن از یک بدن‌درد خفیف تا دامنه‌ای از تب با سرفه و تنگی نفس به عنوان علائم شایع و علائم ناشیابی مانند مشکلات گوارشی و نورولوژیکی متفاوت است. بنابراین توصیه ما این است که بیماران حتی اگر علائم خفیفی دارند برای دریافت توصیه‌های درمانی و پیگیری‌های مرتبط با ادامه درمان و پزشکی‌گری از بروز شرایط حاد و غیر قابل بازگشت به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مراجعه کنند». رئیس بیمارستان شهیدای تجریش توصیه کرده که اگر دارای علائم و نشانه‌های متفاوت بیماری هستیم، به خاطر ترس از حضور در بیمارستان، مبادرت به خوددرومانی نکنیم و نگذاریم پس از اینکه عوارض بیماری ما را از پا انداخته به فکر مداوا باشیم. پس نه ترس و وحشت بیجا از کرونا و نه بی‌خیالی مطلق و خوددرومانی‌های غیر اصولی.

### باور می‌کنید؟

**سیانورهای مارمولکی**  
**قدس زندگی:** بالاخره در دنیایی که حتی ممکن است یک روز باخبر شوید پونزهای روی دیوار هم برای خودشان روز جهانی دارند، مارمولک‌ها هم حششان است که روز جهانی داشته باشند! واقعیت این است که این خزندگان نه چندان بازمه و برطرقدار، اسمشان بد رفته و چوب قیافه غلط اندازشان را می‌خورند. شاید برای همین هم دیروز که روز جهانی مارمولک بود «ایسنا» درباره ویژگی‌های این جانور گفت‌وگوئی را با یک جانورشناس منتشر کرد. نکته جالب این گفت‌وگو، تیره شدن دم مارمولک‌هاست! شاید هم پیش از این‌ها شنیده باشید که دم مارمولک‌ها حاوی سیانور است و می‌تواند انسان یا حیوان دیگری را در یک چشم به هم زدن بکشد! اما یک عضو هیبت علمی دانشکده منابع طبیعی کردستان می‌گوید: «دم مارمولک محل ذخیره چربی‌های است تا در فصل‌های پاییز و زمستان که غذای کمتری پیدا می‌شود از این ذخیره‌های چربی استفاده کنند». قطع شدن دم برخی مارمولک‌ها نیز ناشی از یک مکانیسم دفاعی است که به‌منظور جلب توجه شکارگر به دم و ایجاد فرصتی برای فرار و نجات مارمولک صورت می‌گیرد. در ضمن این متخصص می‌گوید مارمولک‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند سمی نیستند و در کنترل جمعیت حشرات موذی نیز نقش مهمی دارند.



## باید مخاطب را جدی گرفت

به انگیزه موفقیت‌های پی در پی آآرش در ایران و عرصه‌های جهانی

گفت‌وگو با حمیدرضا شاه‌آبادی

نگاهی به حواشی مجازی توافق میان امارات و رژیم صهیونیستی

## حماقت قرن!



**محمد تربت‌زاده:** صبح روز گذشته بود که یک خبر عجیب و غریب فضایی مجازی را تکان داد. رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار یک تویت جنجالی اعلام کرد که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و ولیعهد ابوظبی بر سر عادی‌سازی کامل روابط توافق کردند و از این پس امارات و رژیم صهیونیستی روابط رسمی خود را طی قراردادی آغاز خواهند کرد. پس از این، نه فقط کاربران فضای مجازی در کشورمان بلکه کاربران در سراسر دنیا به خصوص در جهان عرب، خیلی زود نسبت به عادی‌سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی واکنش نشان دادند. به طوری که در مدت زمان کوتاهی هشتگ‌های مرتبط به این ماجرا تبدیل به ترندهای توئیتر در نقاط مختلف جهان شد. درحال حاضر در بسیاری از نقاط خاورمیانه، از کشورهای عربیزبان بگری تا کشور خودمان، هشتگ‌های مرتبط با توافق میان رژیم صهیونیستی و امارات در صدر هشتگ‌های پرستاده توئیتر قرار دارند علاوه بر این، بسیاری از چهره‌های شاخص سیاسی و غیرسیاسی در سراسر دنیا هم در قبال این ماجرا موضع‌گیری کرده‌اند.

**محمکوم به نابودی**  
عربستان و کویت نخستین مناطقی بودند که هشتگ‌های مرتبط به ماجرای توافق میان امارات و رژیم صهیونیستی در آن‌ها تری شد. کاربران در این مناطق در همان ساعت‌های ابتدایی انتشار خبر، هشتگ «عادی سازی روابط خیانت است»، «امارات» و «سرنیل» را تبدیل به داغ‌ترین سوزهای توئیتر کردند. کاربران عربزبان از اینکه یک کشور عربی پس از حدود دو دهه روابطش را به صورت رسمی با رژیم کودککش صهیونیستی عادی‌سازی کرده است، حسابی شاک‌ی‌اند و از دولت‌مردان امارات می‌خوانند این توافق نامه را ملغی کنند. یکی از کاربران عربستانی نوشته است: «این اتفاق موجب ننگ جهان عرب است. برادران فلسطینی ما هرروز وسط سربازان اسرائیل به خاک و خون کشیده می‌شوند، اما حکام دنیاپرست اماراتی بی‌توجه به خون‌های ریخته شده، روابطشان را با دولت اسرائیل گسترش می‌دهند». یک کاربر کویتی هم نوشته است: «اسرائیل و پیروانش محکوم به نابودی و شکست هستند».

**شکل ابوموسی اشعری!**  
کاربران فضای مجازی در کشور خودمان هم خیلی زود پس از کاربران عربستانی و کویتی، هشتگ‌های مختلفی مانند #خیانت\_امارات، #گاوشریده، #بشارت و... را تبدیل به داغ‌ترین سوزهای فضای مجازی کردند. در ادامه چند نمونه از توئیتهای منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید:

- امارات با توفیق با اسرائیل مهر ننگی بر پیشانی خودش زد که تا سال‌ها پاک نمی‌شود. ننگی که با بستن چشم‌هاشون روی چندین سال نسل‌کشی و عرب‌کشی اسرائیلی‌ها همراه است. دیگه این شیون پوچ‌پرست نباید از غیرت عربی حرف بزنی.
- شک نکنید بعد از عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی خیلی زود شاهد غرق شدن امارات خواهیم بود.
- امارات با حرکت حقیرانه‌اش نه تنها امتیازی بدست نیلورد بلکه به دشمنی رسمی برای محور مقاومت بدل شد.

همون طوری که جنبش فتح اعلام کرد: عادی‌سازی روابط میان امارات و اسرائیل به معنای دست کشیدن امارات از وظایف دینی، ملی و بشردوستانه خود در قبال مسئله فلسطین است.

ابوموسی اشعری اگر شکور بود قطعاً شکل امارات می‌شدا به نظر بعد از معامله قرن این اقدام امارات را می‌شود به خیرت قرن تعبیر کرد.

ترامپ در توافق به ایران شکست خورد، در توافق با کره شمالی شکست خورد، در توافق با چین شکست خورد و در نزدیک انتخابات هیچ دستاوردی ندره به همین خاطر مجبوره از سر ناچاری رابطه پنهانی نوجهاش با مهدیکه رو آشکار کنه و اسم تواریخی روش بذاره.

**غیرت عرب کجاست؟**  
فعالان فضای مجازی، رسانه‌ای و چهره‌های شاخص هم پس از عادی‌سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی حسابی از خیانت دولت‌مردان امارات درامندا «میثم مطیعی» در این‌باره به زبان عربی در توئیتر نوشته است: «به حساب خودشان می‌خوانند فلسطین را زیر پای انتخابات آمریکا سر ببرند. هیهات! فلسطین نه معامله می‌شود نه منفعتی برای ظالمان خواهد داشت. غیرت عرب کجاست؟»

«فرشاد مهدی‌پور»: فعال رسانه‌ای هم در توئیتر نوشته است: «امارات و اسرائیل با وساطت آمریکا، روابط پنهانی سیاسی امنیتی و اقتصادی‌شون رو علنی کردن. خیانتی تازه از حکام مرتجع عرب که از فرط دربوزگی و مقام‌پرستی، حاضران به هر خفتی دست بزنند».

«عبدالله کنجی»: هم دیگر چهره‌ای بود که نسبت به این ماجرا واکنش نشان داد. این فعال رسانه‌ای در توئیتر نوشت: «قدرت که نباشی - یا نداشته باشی - قدرت‌های بزرگ نه با شما چانه می‌زنند و نه وقت برای مذاکره می‌گذارند. با انگشت اشاره‌شان طرف را تنظیم می‌کنند. ترامپ با دستور تلفنی به امارات، بن‌زائد را به نتانیاهو وصل کرد و خودش هم اولین نفری بود که برای



## ورزش

آبی‌ها به پول ترانسفر حسینی به ایتالیا دل خوش کرده‌اند

### استقلال در منگنه شفر

قاضی: فقط برای سه امتیاز به اصفهان می‌رویم

### سه‌میهمی خواهیم

### اگر حقان ضایع نشود



استقلال کار سه‌میهمی را یکسره می‌کند؟

### کورس شهر خودرو، سپاهان، فولاد و تراکتور در پیست آسیا

## گزارش جیبی

یک مطلب یواشکی



**قدس زندگی:** ایسن مطلب، چکیده و کوچک شده گزارشی از برخی کمک‌های مؤمنانه است که نه سازمان و نه دم و دستگاه‌های عریض و طویل در آن دخیل هستند و نه رسانه‌ها و دوربین‌ها دنبال انتشار اخبار و تصاویر آن در جای هستند. همه ماجرا به همت زن و شوهری میانسال برمی‌گردد که در گوشه‌ای از این سرزمین به جنگ با کرونا برخاسته‌اند و پای کار خیر که وسط باشد خستگی و چیزهای دیگر را نمی‌فهمند. پس بدون اینکه بدانید این زن و شوهر کجایی هستند، چکیده‌ای از گزارش را بخوانید:

تلفن بوق دوشم از زنده صدای گرم و شیرین خانم قاسم‌پور به گوشم نشست: سلام حنان جان، خوبی دخترم؟ خانواده‌چطورن؟ فرصت را مؤتمن شمردم، همان‌طور هول هولگی کلمات را پشت سر هم ردیف کردم که جای فکر کردن نباشد، تند و سریع: خانم قاسم‌پور، شنیدم که شما و حاج‌آقا و اقازاده‌ها کلی کمک‌های مؤمنانه داشته‌اید چیزی بیشتر از آنچه من از شما می‌دانستم، بفرمایید کی خدمتان برسیم برای تهیه گزارش؟ خانم قاسم‌پور که انگار دوست نداشت به ذوقم بربخورد با مهربانی گفت عزیزم، در اولین فرصت خبرت می‌کنم... روزها پشت سرهم می‌دوید اما خبری از خانم قاسم‌پور نبود... هر روز، بلاکلیف، وضعیت واتس‌آپش را نگاه می‌کردم... خانواده‌ای با دو فرزند شیشه مؤمنانه دارندا دوست داشتید تشریف بیاورید، پدری در روستایی دور حیران هزینه درمان مادر بچه‌هایش است... کرونا کاری را زمینگیر کرده بیخجلشان خالی است... تا اینکه یک روز ساعت ۳ ظهر یک نفر پیام داد: امشب ساعت ۹، مسجد ابوالفضل کوی عمران، خانم و آقای قاسم‌پور کمک شیشه مؤمنانه دارندا دوست داشتید تشریف بیاورید، میهمان را که پس نمی‌زنند... میهمان‌ها کم بودند، خانواده‌هایی که خیلی یواشکی خودشان را به مسجد رساندند تا بی سر و صدا بسته‌های کمک معیشتی را بچینند... پهبان قول دادم حس و حالشان را با قدرت انتشار رسانه خدشمدار نکنم... وارد مسجد که شدیم خیلی آرام و وقتی همه درگیر صحبت‌های خصوصی آقای قاسم‌پور در رابطه با نحوه توزیع بودند طوری که کسی متوجه نشود چندتا عکس یواشکی از بسته‌ها گرفتیم... خانم قاسم‌پور هم که دید حضوری امدهام و راه فراری ندارد، نخواست خلودتر شدن جمعیت منظر بمانم... ساعتی بعد آقای قاسم‌پور رویه‌رویم می‌کردند ادامه داد که «کارهای این‌جوری خستگی ندارد... خسته کسی است که برای غری خدا کار کند؛ باور کنید اگر انسان برای خدا کار کند اصلاً احساس خستگی برایش نامفهوم خواهد بود... بحث هم فقط کرونا نیست که با تمام شدنش فعالیت ما متوقف شود... از سال ۹۱ که بازنشسته شدیم کلی طرح و برنامه برای این مسجد در نظر گرفتیم، حتی در رابطه با نیازهای مطالعه و بررسی‌هایی داشتیم و نقشه مسجد را بر همان اساس ریخته‌م...»









### قصه خانواده در ادبیات داستانی

بی‌گمان خانواده اولین و شاخص‌ترین نهاد اجتماعی است که غالب انسان‌ها از زمان متولد شدن در ساختار این نهاد مهم حضور دارند و نقش آفرینی می‌کنند. خانواده محل شکل‌گیری و قوام‌یافتن شخصیت، احساسات، باورها، عادت و منش‌هاست. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین معلمان هر فرد والدین و سایر اعضای خانواده هستند. نهاد خانواده می‌تواند تشکیل‌دهنده اقوام، جامع ، نسل‌ها و ملت‌ها باشد. نکته قابل‌تعمق این است که خانواده در هر قالب و فرمی همسان با سایر نهادهای اجتماعی برای خود ساختار، قوانین و مبانی دارد. شناخت اصولی قوانین منطقی حاکم بر هر خانواده موجب تحکیم و ثبات خانواده و بالطبع بروز انسجام در بستر جامعه می‌شود. از همپاشی بنیاد خانواده‌ها بزرگ‌ترین آسیب اجتماعی به حساب می‌آید و می‌تواند تأثیر مخربی بر جوامع و ملت‌ها بگذارد. اگر دولتی بخواهد جامعه‌ای سالم، پویا و موفق داشته باشد باید ابتدا تلاش کند با دادن آگاهی لازم مشکلات و مصائب به‌وجود آمده در بستر خانواده‌ها رافع کند.

در این میان ادبیات داستانی به دلیل ساختار و اسکلت‌بندی منسجم، منعطف و پیچیدش می‌تواند تمام مسائل مختلف ساخت هستی را در دل خود مطرح، بررسی و تحلیل کند. از دیرباز نهاد خانواده پس از شخصیت‌های داستانی مهم‌ترین سازه داستانی به حساب می‌آید. در غالب رمان‌های مطرح ، خانواده نقش بسیار مهمی را در روند شکل‌گیری حوادث و طرح مسائل عمیق محتوایی ایفا می‌کند. در داستان‌های ایرانی نیز همواره به خانواده به عنوان محور اصلی داستان توجه شده است، اما آنچه در این ارتباط روایت می‌شود صرفاً شیعی از ساختار و بنیاد این نهاد مهم است، متأسفانه به دلیل کم‌اطلاعی اغلب نویسندگان ایرانی به دانش جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، دین، سیاست و اقتصاد، معمولاً خانواده به صورت عمیق و کاوانده در زیرساخت رمان‌ها تحلیل و بررسی نمی‌شود. توقع نمی‌رود نویسنده در رمان به مقولات صرفاً تخصصی در این حوزه بپردازد، اما دانش او در حوزه علوم‌انسانی به او این توانمندی را می‌دهد که در بطن داستان، حوادث و گفت‌وگوها بتواند نگاه عمیق خود را تصویرسازی کند. نویسنده باید همچون پژوهشگری علاقه‌مند در این خصوص تحقیق‌کننده‌ای و مبدائی داشته باشد. صحبت با عموم مردم از هر قشر، گروه سن و جنسیت می‌تواند در شناخت خانواده و جامعه روز تأثیر گذار باشد. کسب تجارب و باورهای مردم کمک زیادی به نویسنده می‌کند تا در شناخت فرد و نقشی که در خانواده و جامعه ایفا می‌کند، موفق باشد. در جامعه امروز جهانی ما با بسیاری از آسیب‌های بزرگ اجتماعی چون طلاق عاطفی، ازدواج سفید، بروز روابط نامشروع خاصه همجنس‌گرایی مواجه هستیم. شاید یکی از عوامل بروز چنین اتفاقی‌های ناخوشایندی در اهداف و برنامه‌های سیاست جهانی ابرقدرت‌ها خاصه بشود که ترویج‌دهنده آن هستند. آن‌ها به واسطه فیلم‌های سینمایی، رمان، سلبریتی‌ها و... تلاش می‌کنند تا خانواده‌ها و جوامع بی‌هویتی را سالم‌اندهی و گام متلاشی کنند، اما از سویی این وظیفه مهم ادبیات داستانی است تا این مسائل را با توجه به ساختار و بافت جامعه ملی و بومی خود بررسی کند. از نمونه شاخص رمان‌های برتر اجتماعی می‌توان به آثار جین‌اوستین اشاره کرد که در قالب داستان، نقش خانواده انگلیسی را به درستی تحلیل می‌کند. بی‌شک نویسندگان ایرانی در این مسیر بسیار عقب افتاده‌اند، آن‌ها ابتدا باید به اصول نوشتن رمان براساس داده‌های رشته‌های علوم‌انسانی آشنا بشوند، پس از آن تازه می‌توان توقع داشت تا به درون و بن‌مایه خانواده ایرانی و سبک زندگی ایرانی رسوخ و نقاط مثبت و منفی آن را پیدا و تحلیل کنند. متأسفانه در ایران نویسندگان توانایی طرح مسائل را دارند، اما در بخش تحلیل و دست‌یازیدن به نتیجه‌گیری منطقی و اصولی، بسیار ضعیف عمل می‌کنند.

## منهای کتاب

گفته‌های مرتضی امیری اسفندقه

درباره مراسم شعرخوانی

### اخلاق محرمی، آزار رانمی‌پسندد



هر سال خودش خودش را اجرا کرده است. این محرم است که ما را اجرا می‌کند، نه ما محرم را. وی افزود: امسال هم از سال‌های دیگر مستثنای نیست. همانند سال‌های دیگر، محرم خودش خودش را به هر شکلی که هست برگزار می‌کند. آنچه هست این است که اخلاق محرمی آزار و اذیت را برای دیگران نمی‌پسندد. وقتی حضرت سیدالشهدا(ع) به اسب‌های دشمن ترجم می‌کنند، به آن‌ها ب می‌دهند و می‌گویند این اسب‌ها تشنه هستند، مسلماً اخلاق محرمی برای دوستان مزاحمت ایجاد نمی‌کند. امیری‌اسفندقه همچنین در پاسخ به پرسشی درباره برگزاری جلسه‌های شعرخوانی ایام محرم در روزهای کرونا، نظرات خود را چنین بیان کرد: برای یک شاعر مهم نیست، او می‌تواند در میدان تریبار هم بایستد و به همه بگوید که من می‌خواهم برای شما شعر بخوانم، حتماً نیاید او را دعوت کنند. او می‌تواند در تاسکی و مترو هم آوازهایش را منتشر کند، برای یک شاعر یک تپه گلی با یک تریبون رسمی برای خواندن شعر هیچ فرقی نمی‌کند. همین که او دم دهد و مخاطب بازدم، آن اتفاق زنده و زایا افتاده و برخاسته است. حتماً که نباید مراسمی، مسجدی، تکیه‌ای سالن همایش و تریبونی باشد، شعر همه‌جا می‌تواند اجرا شود. اگر منظور کسب و کار و کاسبی یا شعر نباشد، شعر همه‌جا می‌تواند اجرا شود.

### تولید بازی رومیزی «مار و مارگیر» با اقتباس از منطق الطیر



رومیزی و کارتی بر گرفته از آثار فاخر ادبیات کهن فارسی همچون مثنوی معنوی مولانا، منطق‌الطیر عطار نیشابوری، کلیله و دمنه، تاریخ بیهقی و... همچنین ادبیات معاصر شامل آثار نیما یوشیج، حبیب یغمایی و... از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طراحی شده است. «مار و مارگیر» یکی از بازی‌های مجموعه «هیز بازی ایرانی» است که از سوی علی شیرکرمی برای کودکان بالای هفت سال طراحی شده است. بر همین اساس بازی رومیزی «مار و مارگیر» از داستانی به همین نام از منطق‌الطیر عطار نیشابوری برگرفته شده است. این سرگرمی از نوع بازی‌های فکری و حل معماست. در این سرگرمی یک بازیکن در نقش مارگیر باید محل پنهان شدن مار را روی صفحه بازی با استفاده از حدس زدن رنگ تکه‌های مختلف مار پیدا کند.

### ادب و هنر محبوبه‌ی ناطق! حمیدرضا شاه‌آبادی، پژوهشگر تاریخ،

داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس ایرانی و یک سلبریتی در عرصه ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شود. بسیاری از آثار او جوایز اول جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی را دریافت کرده یا مورد تقدیر قرار گرفته است.

«موزی که می‌خندید» به تصویرگری سیدحسن موسوی و قلم حمیدرضا شاه‌آبادی، یک کتاب ایرانی است که چند روز گذشته در فهرست «2021.LIBBY» آثار ممتاز جهان درباره کودکان و نوجوانان معلول قرار گرفت. همکاری دو چهره شناخته‌شده تصویرگری و ادب‌الکتاب‌دکد و نوجوان موجب شد این اثر مورد توجه کمیته کتاب و خدمات کتابداری برای کودکان با نیازهای ویژه قرار گیرد. شاه‌آبادی خالق رمان «دیلماج» و مجموعه داستان «دایره رنگی» برای بزرگسالان و «لالایی برای دختر مرده»، «عترافات غلامان»، «وقتی مزی گم شد»، «هیچ‌کس جرئتش را ندارد» و «فلسفه تیرانداز جوان» برای رده سنی نوجوان است که جایزه‌های معتبری

### بهتر است برای شروع به سراغ کتاب

«موزی که می‌خندید» و موفقیت اثر اثر پرویم.

### ایده نوشتن این کتاب چطور شکل گرفت؟

در ابتدا باید توضیح بدهم کتاب «موزی که می‌خندید» در لیست آثار ممتاز جهان درباره کودکان و نوجوانان معلول به تصویرگری سیدحسن موسوی و با طرح قصه‌ای از ایشان است که بنده فقط منتشر را نوشتم؛ بنابراین افتخار اصلی موفقیت این کتاب به ایشان تعلق دارد. «موزی که می‌خندید» وی تفاوت‌های فردی تأکید می‌کند. نکته مهم در این کتاب این است که تا به حال ما معلولان را به عنوان افرادی که توانایی کمتری یا ناتوانی دارند می‌شناختیم، در حالی که امروزه باید بدانیم معلولان توانایی‌های متفاوتی دارند و این تفاوت‌ها موجب می‌شود: از دیگران متمایز شوندند و این کتاب به‌خوبی به قصه تفاوت‌ها اشاره می‌کند؛ تفاوت در نگرش و تفلاوت در توانایی، به همین دلیل است فکر می‌کنم به این فهرست راه یافته‌است.

### چاپ مکرر کتاب‌های شما و کسب جوایز

معتبری مانند نامزدی جایزه «آسترید لیندگرن» بسیار مغتنم است. دلیل موفقیت آثارتان را در عرصه جهانی و حتی اقبال آن توسط مخاطب ایرانی را در چه می‌دانید؟ دلیل موفقیت این کتاب‌ها که به تازگی به چاپ‌های متعدد رسیده و جوایزی را از آن خود کرده، جدی گرفتن کار و مخاطب است، اینکه نویسنده تلاش کند کار مناسب و خوبی را ارائه کند. مهم‌ترین مسئله‌ای که یک نویسنده باید به آن توجه داشته باشد این است که در مسیر نوشتن به خودش دروغ



### گفت‌وگو با حمیدرضا شاه‌آبادی

## به انگیزه موفقیت‌های پی در پی آثارش در ایران و عرصه‌های جهانی

# باید مخاطب را جدی گرفت

حوزه ادبیات کودک و نوجوان، نامزد جایزه «آسترید لیندگرن» – بزرگ‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات در جهان– شده است. البته حمیدرضا شاه‌آبادی تجربه‌های ارزنده و موثقی هم در صنعت نشر دارد. وی در کارنامه خود مدیریت انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مدیریت مؤسسه انتشارات بین‌المللی الهیدی و همکاری در انتشارات سوره مهر به عنوان مدیر تولید را دارد و چند سال است که به عنوان مدیرعامل جدید مؤسسه انتشارات «مدرسه» منصوب شده است. همه این موفقیت‌ها و تجربه‌ها ما را به سمت گفت‌وگو با این چهره موفق در عرصه نویسندگی و نشر کشاند و او با اینکه در دوران نقاغت کرونا به سر می‌برد ، به پرسش‌های ما پاسخ داد. هر چند که بیماری اجازه نداد تا گفت‌وگو به اتمام برسد و چند پرسش ما به خصوص در حوزه نشر بی‌پاسخ ماند.

۲۰۱۹ هم راه پیدا کنند. سومین جلد این مجموعه به عنوان «چاه تاریکی» به زودی منتشر خواهد شد. اردیبهشت امسال هم حمیدرضا شاه‌آبادی آرزوی سلامتی می‌کند.

برخورد و چیزی که در این گزارش‌ها بیشتر از همه نظرم را جلب کرد خبرهایی بود که به غرق شدن کودکان خردسال در حوض خانه‌ها اشاره داشتند. تقریباً هفت‌ه‌ای نبود که یک کودک در حوض خانه‌ای خفه نشود. خواندن گزارش‌ها حس خاصی در من ایجاد کرد. انگار این حوض‌ها دروازه‌ای بودند به جهان دیگر و این مقدمه نوشتن رمان سه‌گانه «روازه مردگان» شد. در داستان «قبرستان عمودی» پسر بچه‌ای به اسم رضا به شکل غیرمنتظره‌ای از یک خانه مرمر سردر می‌آورد، خانه‌ای که در دیوارهای آن جنازه‌هایی دفن شده‌اند.

### درباره سه‌گانه «روازه مردگان» بگویید این کتاب بسیار مورد توجه قرار گرفته و به چاپ‌های متعدد هم رسیده‌ است. چه سبزی این رمان با این ساختار نوشته‌ شد؟

تقریباً چهار سال پیش بود که در حال تهیه مقاله‌ای درباره وضعیت کودکان ایران در دوره قاجار بودم که حین پژوهش برای نوشتن این مقاله به گزارش‌های نظمیه دوره ناصرالدین شاه

خانه غرق می‌شود و پس از آن حوادث عجیبی شکل می‌گیرد که بدنه رمان را خلق می‌کند.

### تجربه‌های زیستی و تحصیلات شما که به تاریخ علاقه‌مند هستید و پژوهشگر تاریخ هستید چقدر در امر نوشتن به کمک شما آمده‌ است؟

ببینید تاریخ به این دلیل که نقاط عطف زندگی بشر را نشان می‌دهد این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم انسان را در شرایط عدم‌تعادل و در موقعیت‌های خاص از زندگی معمول ببینیم؛ چسرا که در این شرایط انسان‌ها چهره دیگری از خود نشان می‌دهند. تصور کنید هر روز گشاده‌رو و خوش‌اخلاق سر کار می‌روید، اگر یک روز صبحانه نخورده باشید یا اتفاقی



موفقیت تازه تصویرگر ایرانی با «موزی که می‌خندید»

## ناشناخته‌ای که جایزه می‌برد!

متن هم داشته باشد که با کمک آقای شاه‌آبادی این اتفاق افتاد. موسوی در خصوص ویژگی‌های اثر مناسب کودک، توضیح داد: برای خلق یک اثر مناسب دنیای کودک به چند عامل نیاز داریم. ابتدا شناخت کودک و دنیای کودک است و با تجربه این شناخت برای تصویرگر به‌وجود می‌آید که چه بازی رنگی، فضاسازی و چه طرحی‌هایی برای مخاطب مناسب است. مهم‌ترین ویژگی یک اثر موفق ایده است که این مسئله به عهده نویسنده است. تصویرگر هم دنباله‌رو نویسنده است، ولی به طور کلی کتاب باید بتواند یک تأثیر جهان‌شمول بر زندگی کودک بگذارد.

### تصویرگری و ادبیات بزرگسال

ایین تصویرگر ایرانی در خصوص جایگاه تصویرگری در آثار بزرگسال هم گفت: تا به حال اتکای کتاب به تصویر فقط در ادبیات کودک و نوجوان رخ داده و من به این فکر کردم شاید بتوان تنها از تصویر برای این رده سنی استفاده کرد، اما برای بزرگسالان هم می‌تواند اتفاق بیفتد. موسوی درباره جایگاه تصویرگری ایران در جهان اظهار کرد: در تمام این سال‌ها کارهای بسیار خوبی از تصویرسازان ایرانی دیده‌ام که به طور جدی در فستیوال‌های جهانی فعالیت کرده و کاملاً شناخته‌شده بودند و البته در سال‌هایی نیز کم‌رنگ‌تر دیده شدند. امیدوارم با اتفاق‌هایی نظیر برنده شدن کتاب ایرانی در فستیوال براتیسلاوا به شناخت جهانی از تصویرگری کتاب در ایران کمک کرده باشیم و کار در داخل را برای تصویرگران کتاب تسهیل کند.

### هنری که به لحاظ مالی قابل اتکا نیست

وی در مورد حمایت از کار تصویرسازی در ایران گفت: متأسفانه حمایت چشمگیری از کار ما در ایران نمی‌شود. از ابتدای کارم با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بودام و جدا از چند نمایشگاه و مسابقه در مقیاس‌های کوچک و آن هم نه مداوم، حمایت جدی از سسوی هیچ مسئولی اتفاق نیفتاده است. ما به توجه به این حمایت نشدن‌ها، موفقیت تصویرگران ایرانی کار سخت‌تری به نسبت رقیبانشان در جهان است. تصویرسازی‌که در مارکت جهانی فعال باشند خیلی کم هستند و از طرفی این شغل از لحاظ مالی خیلی قابل اتکا نیست. تصویرسازان ایران البته این شرایط را دارند و سعی می‌کنند بیشتر از طریق کلاس‌های گرافیک و نقاشی آموزشان را بگذرانند و متأسفانه تصویرسازی نقش کمتری از لحاظ مالی در زندگی هنرمندان این حوزه دارد.

در مسیر برای شما رخ داده و اعصاب شما را به هم ریخته باشد، تعادل شما را بر هم زده و آن موقع ممکن است رفتار دیگری در محیط کارتان نشان دهد. در مورد داستان نیز چنین است؛ می‌گویند داستان از جایی شروع می‌شود که تعادل زندگی همه بس هم بریزد. تاریخ هم کارش ثبت همین نقاط عدم‌تعادل است، به همین دلیل به عقیده من بهترین مرجع و کسب ایده برای نوشتن تاریخ است. ضمن اینکه تحصیل در رشته تاریخ موجب شد بتوانم بین تاریخ و ادبیات داستانی رابطه نزدیک برقرار کنم و در بیشتر داستان‌هایم نگاهی تاریخی داشته باشم، حتی اگر همه وقایع داستان در دوره معاصر بگذرند.

### از آنجا که تعداد زیادی از آثار شما برای گروه سنی نوجوان است، برای نوشتن این داستان‌ها چقدر از نوجوانان یا دوره نوجوانی خود ایده می‌گیرید؟

تجربه‌های زندگی هر فردی از راه‌های مختلفی بدست می‌آید، از ارتباط گرفتن تا گفت‌وگو با دیگران، خاطرات شخصی، مطالعه کتاب‌ها و دیدن فیلم‌های مختلف، سفر کردن و... موجب پیدا کردن ایده می‌شود.

### از چند سالگی به کار نوشتن مشغول شدید؟

من هم مثل بسیاری نویسنده‌ها از کودکی به نوشتن علاقه داشتم و چیزهایی می‌نوشتم، ولی اولین کار من سال ۶۸ منتشر شد، تقریباً زمانی که ۲۲ ساله بودم. در آن زمان نوشتن برای من جدی شد.

### شاید برای مخاطبان شما جالب باشد بدانند شخصی که علاقه با استعدادش نوشتن است چگونه تجربه‌های زیستش را به کلمه تبدیل می‌کند؟

هر کسی از کاری که دوست دارد انجام دهد لذت می‌برد، حلالاً اگر میارهایی برای کار برتر برای خودش تعریف کرده باشد تمام انرژی وقتش را به کار می‌گذرد تا بهترین اثر را خلق کند و وقتی می‌بیند کارش به کیفیتی که می‌خواسته نزدیک شده لذت می‌برد.

### به طور معمول چند ساعت در روز را به نوشتن اختصاص می‌دهید؟

بستگی دارد. گاهی روزهایی نمی‌نویسم و گاه در روز دو سه صفحه می‌نویسم. راستش را بخواهید با نوشتن زود خسته می‌شوم و ساعت‌های طولانی نمی‌توانم به کار نوشتن مشغول باشم.

### چقدر بسه مسئله کتاب‌درمانی معتقد هستید، مثلاً کتاب «موزی که می‌خندید» و کتاب‌هایی نظیر آن که برای معلولان انتخاب شده‌اند می‌توانند حکم کتاب درمانی برای بچه‌ها داشته باشند؟

نه! این کتاب‌ها در واقع کودکان معلول را به عنوان کودکان متفاوت معرفی می‌کنند و نشان می‌دهند این کودکان ناتوان هستند بلکه متفاوت‌اند. در حقیقت این کتاب‌ها برای این است که این طرز تفکر را تغییر دهند. ممکن است انسانی با نداشته باشد، اما بتواند از دستاش بسیار بهتر از انسان‌های معمولی استفاده کند پس توانایی‌اش در پاهایش نیست بلکه در دستاش است. این تفاوت‌ها را ارزش گذاشتن، بن‌مایه اصلی این کتاب‌هاست.

### یکی از مصداق‌های عینی متفاوت دیدن این کودکان، کودکان اوتیستیک هستند که نه‌تنها هوش کمتری نسبت به همسن و سال‌هایشان ندارند بلکه ممکن است باهوش‌تر باشند و فقط متفاوت هستند. به دنیای این کودکان که متأسفانه موارد ابتلا به آن در حال افزایش است نیز نگاهی شده‌ است؟

دقیقاً بچه‌های اوتیستیک ممکن است در زمینه‌هایی ضعف داشته باشند، اما وقتی روی موضوع و زمینه‌ای متمرکز می‌شوند آن را بهتر از هر کس دیگری انجام می‌دهند و این موضوع را می‌توان به همه کودکان معلول تسری داد. اگر این نوع نگرش در داستان‌هایی که به موضوع کودکان معلول می‌پردازد یا در فضای‌های دیگر است جا بیفتد، فضا را برای کودکان معلول بهتر می‌کند.

این تصویرگر جوان دلیل موفقیت کارهایش را در جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی، بدون حاشیه کار کردن عنوان کرد و گفت: سعی می‌کنم فقط به دنبال علاقه‌ام باشم و سعی

### بدون حاشیه کار می‌کنم

تصویرگر جوان دلیل موفقیت کارهایش را در جشنواره‌های بین‌المللی و داخلی، بدون حاشیه کار کردن عنوان کرد و گفت: سعی می‌کنم فقط به دنبال علاقه‌ام باشم و سعی